



پژوهشکده مطالعات فناوری

TECHNOLOGY STUDIES  
I N S T I T U T E

---

[www.tsi.ir](http://www.tsi.ir)

باسمه تعالی

خلاصه مدیریتی

## بررسی وضعیت موجود و آسیب‌شناسی مهاجرت نخبگان از کشور

### اهمیت مسئله:

بدون تردید یکی از منابع مهم و ارزشمند هر کشور، نیروی انسانی مستعد، متخصص و تحصیلکرده آن است و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف با به‌کارگیری روش‌های گوناگون، سعی در پرورش، به‌کارگیری و حفظ این سرمایه ارزشمند دارند. به‌خصوص اینکه خارج شدن این افراد از چرخه خدمت‌رسانی به جامعه که با عناوینی چون خروج و مهاجرت نخبگان یا فرارمغزها خوانده می‌شود؛ ممکن است باعث لطمات بزرگی به آن کشور گردد. در کشور ما نیز حساسیت بر روی این موضوع بسیار چشمگیر است و در این رابطه، گزارش‌ها و مطالب رسانه‌ای پرشماری به بهانه‌های مختلف و در مقاطع گوناگون منتشر و تحلیل‌های مختلفی درباره میزان مهاجرت نخبگان و ریشه‌ها و عوامل آن ارائه می‌شود. وجود این پدیده برای کشور اغلب به عنوان شاهدهی بر نبود فرهنگ نخبه‌گرایی، ناکارآمدی نظام دیوان‌سالاری و حتی عامل عقب‌ماندگی تعبیر می‌شود. اما در مقابل، برخی میزان فعلی مهاجرت نخبگان را طبیعی دانسته و بیشتر شامل کسانی می‌دانند که تمایلی برای فعالیت و خدمت‌رسانی به جامعه در چارچوب ارزش‌ها و معیارهای سیاسی و فرهنگی نظام ندارند. در پاره‌ای موارد نیز نه‌تنها مهاجرت نخبگان را مشکلی برای کشور قلمداد نکرده‌اند بلکه خواستار سیاست‌گذاری کشور برای فرستادن هدفمند نخبگان برای تحصیل و یادگیری فن در کشورهای دیگر بوده‌اند.

اما نکتهٔ مهمی که در میان این تحلیل‌ها بسیار چشمگیر است، عدم وجود یک ارزیابی رسمی، دقیق، مستند به همراه ریشه‌شناسی این پدیده است که باعث شده سؤالات زیادی همچنان در این حوزه بی‌جواب باقی بماند. سوالاتی که پاسخ به آن‌ها راه را برای سیاست‌گذاری درست در حوزه نخبگان هموار می‌نماید. گزارش حاضر بر پایه احساس نیاز به وجود چنین ارزیابی جامعی انجام گرفته است. برای رسیدن به چنین ارزیابی نیاز است در ابتدا تعاریف و اصطلاحات مورد نظر یکسان‌سازی شده و سپس در مورد آمارهای موجود و ریشه‌های آن قضاوت صورت گیرد.

### تعریف نخبه:

گام اول برای داشتن یک ارزیابی از پدیده مهاجرت نخبگان، رسیدن به تعریف مشترک از «نخبه» و مصادیق آن است؛ در این میان، تعریف سند ملی نخبگان به عنوان بالاترین سند کشور در این حوزه می‌تواند به‌عنوان تعریف اصلی، راهگشای محققین قرار گیرد. سند نخبگان بین مفهوم نخبه و صاحب استعداد برتر تفکیک قائل شده و نخبه را فردی برجسته و کارآمد می‌داند که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارزی داشته باشد و کسانی که ویژگی‌های ذاتی و استعداد رسیدن به نخبگی را داشته اما هنوز این اثرگذاری را نداشته باشند، در زمره صاحبان استعداد برتر قرار می‌گیرند. طبق این تعریف، افرادی نخبه

محسوب می‌شوند که در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی و غیره خدمات ارزنده‌ای به جامعه ارائه کرده باشند و جوانان دانش‌آموز و دانشجویی که موفقیت‌هایی را در زمینه‌های علمی و فناوری کسب کرده باشند، جزو صاحبان استعداد برتر قرار می‌گیرند.

### تعریف مهاجرت:

گام بعدی برای ارزیابی صحیح از مهاجرت نخبگان، تعیین نوع «مهاجرت» مورد نظر در این رابطه است. مهاجرت و مسافرت علمی و حرفه‌ای همواره در میان نخبگان معمول و مرسوم بوده است. بر اساس سند نخبگان، مهاجرتی نگران‌کننده و دارای تأثیرات منفی است که موجب خروج دائمی نخبگان از عرصه خدمت‌رسانی به جامعه شود؛ بنابراین، مهاجرت‌های موقتی که با هدف رشد توانمندی‌های علمی و حرفه‌ای انجام شود یا مانع بهره‌مندی جامعه از نخبه نشود، مهاجرت منفی و خروج به حساب نمی‌آید. درمقابل، نخبگانی هم که به‌رغم حضور در داخل کشور از ظرفیت آنان استفاده نمی‌شود، مصداق خروج و از دست رفتن نخبگان به حساب می‌آید.

### آمارهای داخلی مهاجرت نخبگان:

پس از شناسایی تعاریف قابل قبول از نخبه و مهاجرت، نوبت به بررسی آمارهای متناسب با این تعاریف می‌رسد. تا به حال، هیچ گونه آمار رسمی درباره مهاجرت نخبگان توسط نهادهای مسئول به صورت عمومی منتشر نشده است و تنها چند مورد گزارش از طرف بنیاد ملی نخبگان یا معاونت علمی ریاست جمهوری به شورای عالی انقلاب فرهنگی، در جایگاه مسئول نظارت راهبردی بر امور نخبگان، ارائه شده است. در یکی از این گزارش‌ها، تعداد افراد دارای سوابق نخبگانی (صاحبان استعداد برتر) در پایگاه اطلاعاتی بنیاد ملی نخبگان از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۹۴، حدود ۱۵ هزار نفر ذکر شده است که به طور میانگین بالای ۸۰ درصد از آن‌ها در داخل کشور اقامت دارند. در رابطه با این آمار چند نکته حائز اهمیت است:

۱. جامعه آماری بنیاد نخبگان تنها شامل صاحبان استعدادهای برتر از نوع علم و فناوری بود و اطلاعاتی درباره تعداد نخبگان در بخش‌های مختلف بازار کار و صنعت ارائه نشده است؛
۲. در این گزارش، معیار روشنی برای تعیین خروج صاحبان استعداد برتر از چرخه خدمت‌رسانی به کشور ارائه نشده است. بسیاری از برگزیدگان المپیادهای دانش‌آموزی که در حال حاضر مقیم هستند، دانشجوی دوره کارشناسی بوده و ممکن است بعد از فارغ‌التحصیلی اقدام به مهاجرت نمایند؛ از طرف دیگر، برخی از دانشجویان و استعدادهای برتر غیر مقیم نیز ممکن است در آینده به کشور بازگردند؛
۳. اقامت ۸۰ درصدی دارندگان سوابق نخبگانی در کشور که در این گزارش آمده است، با ذهنیت عمومی و اظهارنظرهای برخی مسئولان و شواهد تجربی بعضی از اساتید مرتبط با جامعه نخبگانی در تعارض است.

مطلوب آن است که همه نخبگان وارد عرصه خدمت به جامعه شوند و کشور هیچ ظرفیت و استعداد انسانی را از دست ندهد. به فرض صحت آمار بنیاد ملی نخبگان که حدود ۲۰ درصد از صاحبان استعداد برتر شناسایی شده در کشور اقامت ندارند، نمی‌توان نتیجه گرفت که همه آن‌ها از چرخه خدمت به کشور خارج شده‌اند. در کل، به نظر می

رسد در مورد صاحبان استعداد برتری که هنوز وارد عرصه فعالیت حرفه‌ای و ارائه خدمت به جامعه نشدند، استفاده از عبارت «مهاجرت نخبگان»، تعبیر درستی نباشد بلکه باید مبنا و شاخصی بعد از ورود به بازار کار تعیین شود.

### آمارهای خارجی مهاجرت نخبگان

اما علاوه بر آمارهای داخلی می‌توان با برخی از آمارهای بین‌المللی نیز تخمین‌هایی پیرامون میزان خروج نخبگان از کشور بدست آورد. بر طبق گزارش موسسه آمار یونسکو، در سال ۲۰۱۶ کل دانشجویان ایرانی در کشورهای خارجی، حدود ۵۱ هزار نفر بوده است؛ اما اینکه چه تعداد از این دانشجویان دارای استعداد نخبگی هستند، چه تعداد بعد از دانش‌آموختگی به کشور برمی‌گردند و نیز، چه نسبت از این افرادی که به کشور بازمی‌گردند، در فرصت‌های شغلی متناسب با توانمندی‌هایشان به کار گرفته می‌شوند، مشخص نیست.

آمار دیگری که می‌تواند به عنوان شاخصی برای قضاوت درباره مهاجرت نخبگان استفاده شود، تعداد مهاجران ایرانی شاغل در فعالیت‌های نیازمند مهارت بالا است. بر اساس آمار ارائه‌شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، حدود ۵۲ درصد از کل مهاجران ایرانی شاغل در کشورهای عضو OECD، در مشاغل نیازمند مهارت بالا و ۴۴ درصد نیز در مشاغل نیازمند مهارت متوسط کار می‌کنند که نشانگر سطح بالای مهارتی در مهاجران ایرانی است. اما این نسبت‌ها نیز به تنهایی برای قضاوت درباره مهاجرت نخبگان کافی نبوده و نیازمند وجود آمارهای مشابه درباره نیروی کار شاغل در داخل کشور است. با این حال، شواهد و آمارهای اشاره‌شده را می‌توان به منزله هشدار و تذکری قلمداد کرد که بایستی نگرانی، دغدغه و تحرک بیشتر مسئولان را به دنبال داشته باشد.

### چالش‌های پیرامون ارزیابی آمار مهاجرت نخبگان

در کل به نظر می‌رسد که جمع‌بندی و اظهار یک گزاره صریح در مورد میزان مهاجرت نخبگان با وجود چالش‌های مختلف آماری در کشور غیرممکن باشد. در واقع منطق و معیار روشنی برای ارزیابی وضعیت مهاجرت نخبگان وضع نشده و آمارهای لازم نیز توسط نهادهای مربوطه در سطح عموم منتشر نشده است. بخشی از نبود شفافیت درباره وضعیت مهاجرت نخبگان، ناشی از سابقه اندک مطرح‌شدن و اهمیت‌یافتن تعیین و شناسایی مصادیق نخبگان در کشور و موجود نبودن معیارها و شاخص‌ها و همچنین سامانه‌های اطلاعاتی مورد نیاز است. بخش دیگری از این مسئله نیز به عدم تمایل مسئولان به انتشار عمومی آمار مهاجرت نخبگان، جهت پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و مقصر جلوه‌دادن دولت، دستگاه یا دانشگاه خاص در این زمینه برمی‌گردد؛ در حالی که به نظر می‌رسد نبود شفافیت اطلاعاتی در این حوزه، فضا را برای قضاوت‌ها و اظهارنظرهای غیرمستند و غیرمستدل بیشتر فراهم کرده و موجب بدبینی و اتهام به بخش‌های مختلف کشور می‌شود.

همچنین باید بعضی از معیارهای قضاوت درباره خروج نخبگان تغییر نماید زیرا آمارهای ارائه‌شده درباره وضعیت اقامت یا مهاجرت برگزیدگان برتر کنکور سراسری، المپیادهای علمی یا دانشجویان ایرانی خارج از کشور را حداکثر می‌توان به عنوان آمار صاحبان استعداد برتری دانست که برای تحصیل به دانشگاه‌های کشورهای دیگر مسافرت کرده‌اند. این افراد هنوز وارد بازار کار نشده‌اند؛ اغلب این دانشجویان جزء استعدادهای برتر مورد حمایت بنیاد نیستند و به

دلایلی مختلف، از جمله ظرفیت پایین ورودی دانشگاه‌های کشور در دوره‌های گذشته برای ادامه تحصیل به کشورهای دیگر رفته‌اند و در صورت وجود شرایط مناسب قصد بازگشت به وطن را دارند. تنها زمانی می‌توان تعبیر خروج نخبه را برای این افراد به کار برد که اولاً، دارای شاخص‌های نخبگی بوده و دوماً، بعد از فارغ‌التحصیلی جذب بازار کار کشورهای دیگر شده و قصدی برای بازگشت نداشته باشند.

در مجموع می‌توان گفت که نفس بالا یا پایین بودن تعداد دانشجویان ایرانی در خارج نمی‌تواند مبنای محکمی برای تحلیل و قضاوت درباره خروج نخبگان قرار بگیرد؛ اما آنچه حائز اهمیت است نبود سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منسجم برای مسافرت یا اعزام دانشجویان برای تحصیل در خارج از کشور است. نکته قابل توجه آن است که مشخص نیست چه تعداد از این دانشجویان با توجه به اهداف و اولویت‌های کشور اعزام شده‌اند؟ توزیع درصدی دانشجویان در هر یک از این کشورها در مقاطع مختلف تحصیلی چگونه است؟ آیا برنامه منسجم، منظم و هدفمندی برای جذب آن‌ها تدارک دیده شده است؟ این دانشجویان در چه رشته‌هایی تحصیل می‌کنند؟ در صورت جذب این دانشجویان، آیا زمینه‌سازی مناسبی برای نقش‌آفرینی آن‌ها در عرصه علم و فناوری و اقتصاد کشور توسط دستگاه‌های مختلف فراهم می‌شود؟ و از همه مهم‌تر آنکه آیا حتی تدبیری برای بهره‌مندی کشور از دانش و استعداد نخبگان گوناگونی که به دلایل انگیزه‌های بسیار بالای ملی-دینی در کشور اقامت دارند شده است؟ نخبگانی که می‌توان گفت به دلیل برخورداری از سطح بالای انگیزه، از قدرت تاثیرگذاری و نقش‌آفرینی مضاعفی برخوردارند.

### شناسایی عوامل مؤثر بر خروج و مهاجرت نخبگان از کشور

در مجموع این نکته را باید پذیرفت که موضوع نخبگان از چرخه خدمت‌رسانی به کشور (کم یا زیاد) وجود دارد و نکته مهم برای مسئولین کشور شناخت عواملی است که منجر می‌شود نخبه ایرانی از فعالیت برای اعتلای کشور خود ناامید شده و یا جلای وطن نماید و یا به نحوی از فرآیند خدمت با کشور خارج شود. ریشه‌شناسی این پدیده را می‌توان با روش‌های گوناگون مانند استفاده از الگوهای نظری، یافته‌های مطالعات تجربی و همچنین نتایج نظرسنجی از تحصیل‌کردگان ایرانی در خارج انجام داد. مطالعات صورت گرفته، طیف گسترده‌ای از مسائل و مشکلات را به عنوان ریشه‌های مهاجرت نخبگان معرفی می‌کنند؛ اما بر اساس رویکرد این گزارش که بر نگاه درون‌مدار و فراهم‌سازی زمینه مناسب برای فعالیت و اثرگذاری نخبگان در تحولات اساسی کشور استوار است، عوامل مهاجرت نخبگان در سه محور خلاصه می‌شود:

*الف) مسائل نگرشی:* این دسته مسائل ریشه در نوع نگاه مسئولین به توانایی‌ها و ظرفیت‌های درون کشور برای حل انواع مسائل موجود جامعه دارد. اگر در کشور جهت‌گیری غالب به سمت برون‌گرایی و جستن راه‌حل‌ها در خارج از مرزها باشد، این نگاه در بسیاری از ارکان جامعه نیز تسری می‌یابد و موجبات بروز روحیه خودکم‌بینی در مقابل غرب و بی‌عملی در فضای دانشگاهی کشور می‌شود. علاوه بر این ضعف اعتماد به قدرت درونی که نمونه درخشان آن در نیروی انسانی نخبه تجلی می‌یابد، موجب می‌شود مجموعه مدیریتی کشور توجه و اصرار کافی به شناسایی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نخبگان جامعه نداشته و راه‌حل مشکلات اقتصادی و فرهنگی کشور را از آن‌ها درخواست نکنند. چاره

این مسئله، تقویت روحیه اعتمادبه‌نفس و باور به سرمایه‌های ملی و بارورسازی اعتمادبه‌نفس در نخبگان از طریق ایجاد فرصت نقش‌آفرینی در حل مشکلات اساسی کشور است.

ب) *مسائل ساختاری*: بخشی از مسائل مربوط به نهادهای مسئول امور نخبگان است. به دلیل لزوم توسعه دایره نخبگانی و بهره‌مندی فراگیر از ظرفیت‌های نخبگان، انجام اقدامات لازم از توان یک نهاد، مثل بنیاد ملی نخبگان خارج است. از طرف دیگر، انجام فعالیت‌های پراکنده و ناهماهنگ نیز توسط نهادهای مختلف اثربخشی لازم را ندارد. لذا ضروری است هر یک از دستگاه‌های کشور، جایگاه حقیقی خود را در نظام نخبگانی پیدا کرده و عملکرد یکپارچه‌ای از خود نشان دهند. در این نظام، نقش قرارگاهی و فرابخشی بر عهده بنیاد ملی نخبگان بوده و دستگاه‌های دیگر لازم است اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های تدوین‌شده توسط این بنیاد را در دستور کار خود قرار دهند.

ج) *مسائل عملکردی*: گروه دیگری از عوامل مهاجرت، به ضعف عملکرد نهادهای مسئول در فرصت‌سازی برای فعالیت نخبگان حاضر در کشور و جذب نخبگان علاقه‌مند بازگشت به کشور مربوط است که منجر به دشواری محیط عمومی فعالیت نخبگان و سرخوردگی و ناامیدی آنان شده است. به جرئت می‌توان گفت که مزیت رقابتی کشور در مقابل کشورهای مقصد برای جلوگیری از مهاجرت نخبگان موضوعات رفاهی و مادی نیست (هرچند که این موضوعات هم در جای خود مهم هستند)؛ بلکه عامل اصلی انگیزشی برای حفظ نخبگان کشور فراهم آوردن امکان اثرگذاری در پیشرفت کشور و درگیر شدن در برطرف کردن مشکلات اساسی جامعه است. در این حالت است که احساس رضایت و مفید و مهم بودن برای آنان ایجاد می‌شود و این احساس عاملی بسیار قوی برای حفظ و به‌کارگیری نخبگان است. درواقع، مواجهه صحیح با مسئله مهاجرت نخبگان، تسهیل فعالیت و ایجاد فرصت‌های شغلی انگیزه‌بخش و اثرگذار در پیشرفت کشور است که در وهله اول، موجب ماندگاری استعدادهای برتر و نخبگان داخل کشور و در مرحله بعدی، سبب بازگشت نخبگان مهاجرت‌کرده می‌شود.

به طور خلاصه می‌توان موارد زیر را به عنوان مهمترین موارد مساله ساز در فهم، تحلیل و ریشه‌یابی پدیده مهاجرت نخبگان دانست:

- وجود تعاریف مختلف از نخبه و نگاه‌های بعضاً متضاد به حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی آن‌ها (از تعاریفی که جمع بسیار محدودی را نخبه می‌داند تا تعریف‌های موسع‌تر؛ و از نگاه‌هایی که تنها حقوق نخبه را لحاظ می‌کند و مسئولیت‌های اجتماعی او در قبال بستر رشد خود را در نظر نمی‌گیرد تا دیدگاه‌های بی‌توجه به اقتضائات انگیزش نخبگان).
- تحلیل‌ها و ارزیابی‌های مختلف مثبت یا منفی از پدیده مهاجرت نخبگان (فرار مغزها، مهاجرت و یا گردش نخبگانی).
- نبود آمارهای دقیق و رسمی که بتواند مبنایی برای تشخیص صحیح وضعیت مهاجرت و اقدام مناسب باشد.
- نبود نگاه صحیح به عوامل اصلی که می‌تواند زمینه ادامه حضور و یا بازگشت نخبه را فراهم کند. (توجه بیشتر به عوامل مادی به‌جای محور قرار گرفتن تقویت کرامت نخبه و زمینه‌سازی برای نقش‌آفرینی او در ایجاد تحولات اساسی در کشور).

- وجود تفاوت‌های جدی در باور به نظریه پیشرفت درون‌زا و لزوم اتکا به نیروهای داخلی در میان نهادهای مرتبط و یا مسئولان اصلی کشور که خود را در ایمان به توان تأثیرگذاری نخبگان بومی در پیشرفت کشور و حمایت صادقانه و درست از آنها نشان می‌دهد.